

روحانیت و پیروزی انقلاب

انگیزه سازی

در آخرین روزهای احتضار حکومت پهلوی، خبر قریب الوقوع بودن بازگشت امام خمینی (ره) در رسانه‌ها منتشر شده بود و از سوی دیگر بختیار با خیالی واهی به نمایش قدرت خود پرداخته و روز دوم بهمن به یگان‌های گارد شاهنشاهی دستور داد، مقابل دیدگان خبرنگاران خارجی رژه بروند. روز پنجم بهمن نیز برای جلوگیری از سفر امام خمینی به ایران، ارتش را وادار به بستن فرودگاه‌ها و متوقف ساختن پروازهای خارجی نمود.

علمای بلاد، مدرسین حوزه علمیه قم و جامعه روحانیت تهران که در محل کمیته استقبال مدرسه رفاه گرد آمده بودند، در ساعت‌های آخر روز هفتم بهمن، پس از ممانعت دولت از بازگشت امام خمینی (ره) به کشور، تصمیم گرفتند از صبح فردا هشتم بهمن در مسجد دانشگاه تهران به عنوان اعتراض به بستن فرودگاه‌ها، دست به تحصن بزنند.

ساعت ۹ صبح تحصن با چهار نفر از روحانیون آغاز شد. سخنگوی روحانیون آیت الله جنتی گفت: «انتظار می‌رود آیت الله طالقانی، آیت الله منتظری، آیت الله مطهری و آیت الله بهشتی به جمع متحصنین بپیوندند.»

یک ساعت بعد آقایان بهشتی، منتظری، ربانی املشی شیرازی، هاشمی رفسنجانی، مهدوی کنی، باهنر، محلاتی، خلخالی، آذر قمی، باقری کنی، جلالی خمینی، کروی و انواری با یک دستگاه مینی‌بوس از در غربی وارد دانشگاه تهران شدند. ساعت ۱۰ صبح متحصنین به صد نفر رسیدند. آنها اعلام کردند تا بازگشت امام خمینی به تحصن ادامه می‌دهند.

از همان ساعات اولیه، سیل جمعیت در حمایت از متحصنین به طرف دانشگاه سرازیر شد. اولین گروه، نمایندگان خلبان‌های اعتصابی هما بودند که آمادگی خود را برای پیوستن به تحصن اعلام کردند. آیت الله طالقانی در ساعت ۵ بعدازظهر به جمع متحصنین پیوست. روحانیون متحصن در همان روز، اولین اطلاعیه خود را صادر کردند. چون متحصنین احتیاج به تدارکات و حمایت داشتند، مرحوم حاج سید عبدالمجید ایروانی از ائمه جماعات تهران به کمک دوستان بازاری خود، طرح پذیرایی از متحصنین را متقبل شدند. علاوه بر آن در پی تحصن روحانیون، گروه‌های زیادی از مردم برای آنها خوراک و پوشاک و دیگر وسایل ضروری می‌بردند تا جایی که روزنامه کیهان نوشت: تلاش و همبستگی مردم برای رساندن کمک به متحصنین غیرقابل توصیف بود.

هر لحظه بر تعداد متحصنین افزوده می‌شد. روز دوم تعداد متحصنین به ۵۰۰ نفر رسید و هر روز تعداد آنها افزایش می‌یافت. دانشگاه تهران به علت تحصن روحانیون، به مرکز رفت و آمد مردم و گروه‌های مبارز تبدیل شده بود. آیت الله خامنه‌ای، آیت الله هاشمی و شهید مطهری برنامه سخنرانی داشتند و از حمایت کنندگان تشکر می‌کردند. اعلام حمایت از متحصنین چنان توسعه یافت که روزنامه‌ها از موج همبستگی با روحانیون مبارز متحصن خبر دادند.

آیت الله گلپایگانی با انتشار نامه‌ای خطاب به روحانیون متحصن در دانشگاه ضمن تقدیر از آنان، بار دیگر بر غیر قانونی بودن دولت فعلی تأکید کرد. آیت الله صدوقی که خود جزو متحصنین بود، با انتشار بیانیه‌ای ضمن انتقاد شدید از دولت غیر قانونی بختیار اخطار کرد: «موکداً به دولت غیر قانونی بختیار هشدار می‌دهم که در صورت ادامه سیاست‌های ضد ملی و ایجاد تضییقات در مسافرت پیشوای ۳۷ میلیون ایرانی، خشم مه‌نشین شده فعلی امت ایران بیش از این قابل کنترل نیست و انفجار آن عواقبی را پیش خواهد آورد.»

آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی از مشهد با صدور اطلاعیه‌ای حمایت خود از هدف‌های مقدس متحصنین را اعلام کرد. جامعه روحانیت یزد و روحانیون شاهرود نیز با انتشار نامه‌هایی حمایت خود را از علمای متحصن اعلام کردند. حاج شیخ احمد مفتی زاده یکی از روحانیون سنی مذهب کردستان نیز با انتشار نامه‌ای حمایت خود را از بازگشت امام خمینی اعلام داشت.

نهایتاً در صبح روز دهم بهمن، دولت مجبور شد اعلام کند که فرودگاه باز شده است. دولت اعلام کرد که با فرود هواپیمای ایرفرانس حامل امام موافقت شده و یک مقام هواپیمایی کشور نیز اعلام نمود که برای فرود هواپیمای امام خمینی در روز دوازدهم بهمن، فرودگاه مهرآباد از ساعت ۹ تا ۱۱ صبح بر روی سایر هواپیماها بسته خواهد شد.^۱

اقناع اندیشه

از ابتدای دوران غیبت امام زمان (عج) دسترسی مستقیم مردم به امام معصوم ناممکن شده و سرپرستی و مسئولیت رسیدگی به امور شیعیان، موقتاً در دست عالمان دینی باتقوا قرار گرفت.

در کتاب احتجاج مرحوم طبرسی به نقل از امام حسن عسگری (ع) آمده است: «یک فقیهی که در پی نجات یتیمی از ایتم ما که نه ما را دیده و نه به ما دسترسی دارد برآید، و او را در حدّ نیازش آموزش دهد، بر ابلیس سخت‌تر از هزار عابد است. زیرا عابد فقط برای نجات خودش تلاش می‌کند، ولی فقیه علاوه بر خود به فکر تمام بندگان خدا می‌باشد، تا آنان را از دست ابلیس و یارانش نجات دهد، به همین خاطر نزد خداوند از هزاران هزار زن و مرد عابد برتر است.»^۲

جامعه شیعه که در زمان اوج قدرت حکومت بنی امیه و بنی عباس به شدت تحت فشار قرار گرفته و از قدرت و نفوذ سیاسی و اجتماعی خاصی برخوردار نبودند، برای صدها سال کمابیش در همین شرایط به سر بردند.

شاید بتوان گفت، اولین بار در سال ۷۰۹ تا ۷۱۶ هجری قمری در زمان حکومت ایلخانان مغول بر بخش کثیری از مناطق اسلامی، با تبلیغ فرهنگی و تلاش علمای شیعه، دین اسلام و مذهب تشیع به عنوان مذهب رسمی اعلام شد. پس از آن در دوران صفویه از سال‌های ۹۰۷ تا ۱۱۳۵ هجری قمری، حکومت مقتدر شاهان صفوی با ابراز ارادت به خاندان اهل بیت، علمای شیعه را به عنوان مشاور، وزیر و قاضی القضات وضع کردند.

در دوران قاجار که مصادف با دوران استعمار دولت‌های مدرن غربی بود، نفوذ سنگین سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از ناحیه دولت‌های اروپایی به ایران و دیگر کشورهای اسلامی آغاز شد. دولت‌های استعمارگر، در ابتدا تنها مانع در سر راه تسلط بر منافع کشورهای اسلامی را فقط دولت‌های مقتدر در ایران و کشور عثمانی می‌دانستند، اما پس از سال‌ها برنامه‌ریزی و اجرای نقشه‌های مکارانه و مزورانه، و پس از همراه کردن دولت ایران با خواسته‌های خود و تجزیه کردن دولت عثمانی و بستن قراردادهایی که به شکل‌های مختلف آن دولت‌های استعمارگر را بر منافع کشورهای اسلامی مسلط می‌کرد، با مانع جدیدی به نام علمای هوشیار و آگاه دینی مواجه شدند که اوج آن در ماجرای فتوای معروف میرزای شیرازی به وقوع پیوست.

^۱ برگرفته از سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی

^۲ احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۳۹۵

پس از این ماجرای تاریخی، دشمنان حيله‌گر که بخشی از نقشه‌های خود را نقش بر آب می‌دیدند، در صدد مقابله با این پایگاه دینی و اجتماعی محکم در جامعه اسلامی برآمده و با استفاده از جاسوس‌ها و دیپلمات‌های خود سعی در ایجاد جدایی مردم از علما، تفرقه میان خودِ علما و شاگردانشان، و نهایتاً ایجاد فرقه‌های افراطی در مذاهب اسلامی کردند.

پرورش احساس

مرحوم میرزای شیرازی وقتی فتوای تاریخی تحریم تنباکو را از شهر سامرا که محل زندگی ایشان بود صادر کردند، نفوذ این فتوا به اندازه‌ای بود که تمام شیعیان به آن عمل کردند و حتی در حرم‌سرا و کاخ ناصرالدین شاه نیز قلیان‌ها شکسته شد.

ناصرالدین شاه هر چه تلاش کرد نتوانست مانع از نفوذ فتوای مرجع تقلید بزرگ، میرزای شیرازی شود. او وقتی از یکی از زنان حرم‌سرای خود با عصبانیت می‌پرسد که چه کسی قلیان کشیدن را حرام کرده؟ پاسخ می‌شود که همان کسی که مرا به تو حلال کرده.

ناصرالدین شاه با فشار به بعضی علمای بزرگ تهران مانند میرزا حسن آشتیانی، به ایشان گفت: «یا بر روی منبر می‌روی و در انتظار عمومی قلیان می‌کشی یا تهران را ترک می‌کنی.» اما این مجتهد مجاهد کسی نبود که با یک فرمان شاه بیمی به خود راه دهد و در پاسخی قاطعانه به شاه پیغام داد: «حکم تبعید را می‌پذیرم و تهران را ترک می‌کنم، اما انتظار نداشته باشید به جنگ با امام زمان (عج) بروم!»

انتشار پاسخ کوبنده میرزا حسن آشتیانی در میان مردم تهران، شور حماسی دو چندان را برای قیامی جدی برانگیخت. در مقابل، شیخ فضل الله نوری طی سخنان پرشوری به روشنگری مردم پرداخت و آنان را به اعتراض در برابر تبعید میرزا حسن آشتیانی فراخواند.

این سخنان روشنگرانه تأثیر شگرفی بر مردم گذاشت. هنگامی که قیام مردم بالا گرفت و در مقابل کاخ شاه اجتماع بزرگی تشکیل دادند، شاه که از جدیت قیام مردم مطلع شده بود، دستور داد به مردم بگویند که «حکم میرزا را پذیرفته و معاهده توتون و تنباکو را لغو کرده است.»

نکته‌ای در صدور فتوای تاریخی تحریم تنباکو توسط میرزای شیرازی و تأثیر انکارناپذیر آن در جامعه آن روز جهان تشیع وجود دارد که باید برای آن به ذکر داستانی از شهید آیت الله مدرس که توسط دختر ایشان و در مصاحبه‌ای مطرح شده، بپردازیم.

زمانی که مرحوم آیت الله سید حسن مدرس، طلبه جوانی بودند، به سامرا رفته تا با مرحوم میرزای شیرازی ملاقات کنند؛ بعد از این که میرزای شیرازی از نام و نشان شهید مدرس می‌پرسد و می‌فهمد که اهل اصفهان است، از اوضاع و احوال ایران از او می‌پرسد که آیت الله مدرس در پاسخ میرزای شیرازی می‌گوید: فتوای شما در ایران غوغا به پا کرده و همه مردم حتی در قصر ناصرالدین شاه قلیان‌ها را شکسته‌اند.

بعد از این که میرزای شیرازی این سخنان را از آیت الله مدرس می شنود شروع به گریه می کند. آیت الله مدرس از ایشان می پرسند که چرا گریه می کنید؟ من فقط واقعیت های ایران را عرض کردم. میرزای شیرازی نیز در پاسخ به آیت الله مدرس می فرمایند: من از اهمیت دادن مردم به سخن عالمان دینی ناراحت نیستم، بلکه گریه و ناراحتی من به این دلیل است که دشمنان اسلام که تا کنون نمی دانستند قدرت اسلام در کجاست، از امروز فهمیدند؛ و از این رو از همین امروز برای شکستن قدرت اسلام کار می کنند.^۳

رفتار سازی

پانزده سال بعد از نهضت تنباکو، نهضت مشروطه با حمایت علما شکل گرفت، اما دشمنان که متوجه نفوذ عمیق علمای شیعه در میان توده مردم شده بودند، با استفاده از جاسوسان خود و حيله های فراوان، ابتدا نهضت مشروطه را به انحراف کشانده و سپس بهانه هایی برای ایجاد اختلاف و دودستگی در میان علما ایجاد کردند و نهایتاً حکم اعدام شیخ فضل الله نوری به اتهام مقابله با نهضت مشروطه را در میدان توپخانه تهران اجرا نمودند.

این تجربه ها برای علما و توده های مردم شیعه باعث شد تا در زمان حکومت پهلوی، زیر بار کارهای خلاف شرع خاندان پهلوی نرفته و با آگاه کردن مردم مسلمان از دسیسه های دشمنان خارجی و عاملان دست نشانده در داخل کشور، غیرت دینی مردم را بیدارتر کرده و انگیزه های الهی را در آنها زنده سازند. در این میان روشنگری امام خمینی (رحمة الله علیه) و بسیاری از مراجع و علمای دیگر مانند مرحوم آیت الله مرعشی نجفی، شهید آیت الله بهشتی، شهید آیت الله مطهری، شهید آیت الله مفتاح، مرحوم آیت الله طالقانی، و یاران باقی مانده از آن دوران مانند امام خامنه ای و آیت الله هاشمی رفسنجانی، نقش بسیار مؤثری در ایجاد روحیه طاغوت ستیزی و مخالفت با دخالت های کفار و بیگانگان در عموم مردم داشت.

برخلاف برخی گروه های انقلابی در آن دوران که بیشتر معتقد به تقابل نظامی با حکومت پهلوی و قیام مسلحانه بودند، امام خمینی و بیشتر علما با الهام از سیره پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت عصمت (ع)، شیوه آگاه سازی مردم و انقلاب فرهنگی را ترجیح داده و با اعتقاد به پیروزی خون بر شمشیر، بقای دراز مدت نظام جمهوری اسلامی را تضمین کردند.

از سویی دیگر تجربه اصلی جامعه شیعه در برقراری حکومت اسلامی بر این بود که در صورت هماهنگی و اتحاد میان اقشار مختلف مردم و تبعیت از رهبری عالمان باتقوا و آگاه به زمان، تمامی نقشه های دشمن در جهت مقابله با این نظام و حکومت الهی نقش بر آب خواهد شد. جمله معروف امام خمینی (ره) که می فرمایند: «پشتیبان ولایت فقیه باشید تا به مملکت شما آسیبی نرسد.» نیز چکیده همین تجربه است. و این گونه بود که مردم مسلمان شاهد تحقق این وعده خداوند متعال شدند که در قرآن کریم می فرماید: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^۴

^۳ برگرفته از سایت تبیان

^۴ سوره توبه، آیه ۳۳